

ارتباط اخلاق پزشکی و فقه پزشکی

علیرضا پوراسماعیلی^{۱*}

دیدگاه

اخلاق پزشکی در کشور ما به عنوان یک رشته ی دانشگاهی رشته ای کاملاً نوپا و جدید است. این رشته پس از انجام مطالعات و پژوهش های اولیه در قالب برگزاری موفق چندین همایش و کنگره و نیز ایجاد مراکز پژوهشی در اواخر دهه ی ۱۳۸۰ به طور رسمی در مقطع دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران راه اندازی شد. پس از آن نیز دیگر دانشگاه های علوم پزشکی دوره ی دکترای اخلاق پزشکی را در برنامه ی آموزشی خود گنجانند.

اخلاق پزشکی دانشی میان رشته ای است که با رشته های مختلف پزشکی و غیرپزشکی مانند الهیات به ویژه فقه ارتباط تنگاتنگ دارد. از این رو، در بند اول اهداف کلی دکترای تخصصی اخلاق پزشکی مصوب سی و هشتمین جلسه ی شورای عالی برنامه ریزی علوم پزشکی مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ به گونه ای وجود این ارتباط مورد توجه قرار گرفته و تصریح شده است: «آشنایی با مبانی حقوق انسانی و فقه مترقی اسلام».

صاحب نظران مختلفی نیز در خصوص ارتباط اخلاق پزشکی با فقه نوشته های متعددی در حوزه ی علوم انسانی و

پزشکی نوشته اند. مقاله ای تحت عنوان «قلمرو فقه پزشکی و اخلاق پزشکی» در شماره ی ۵ سال ۱۳۹۱، مجله ی اخلاق و تاریخ پزشکی به چاپ رسیده است که نکاتی چند در این مقاله وجود دارد که بهانه ی نگارش این نوشتار است و تلاش می شود به اختصار این نکات پس از بیان مقدماتی چند تبیین شود. پیش از آن، تذکر این نکته ضروری است که این نوشته نافی زحمات نویسندگان فاضل مقاله ی پیش گفته نیست.

ارتباط میان فقه و اخلاق از موضوعات پرچالش و مبهم روزگار کنونی است، به گونه ای که در این باره سخنان بسیاری گفته شده و دیدگاه هایی نیز طرح شده است، ولی باز هم ابهامات به جای خود باقی است، به ویژه اگر دایره ی سخن محدود به اخلاق پزشکی یا فقه پزشکی شود. پس به طور دقیق نمی توان مرز میان فقه و اخلاق را ترسیم کرد و از سازگاری یا ناسازگاری این دو سخن گفت (۱). با این همه، در بررسی این ارتباط باید چند مولفه را در نظر داشت:

۱- هنگامی که از اخلاق سخن می گوئیم باید در گام نخست روشن سازیم که منظور؛ اخلاق به معنای ethics است یا اخلاق به معنای moral. اخلاق در معنای moral، به اصول نانوشته ای اطلاق می شود

^۱ استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار

* نشانی: سبزوار، دانشگاه حکیم سبزواری، تلفن: ۰۹۱۵۵۷۱۹۱۱۶، Email: a.pouresmaeili@hsu.ac.ir

شده توسط فقیهان رنگ و بوی خاص خود را دارد و حسن و قبح اخلاقی به مصلحت و مفسده‌ی نوعی و غیبی فروکاسته می‌شود که عملاً تنها راه کشف آن مراجعه به متون شرعی و اراده‌ی شارع است (۳).

بنابراین، به‌طور خلاصه آنچه که در متون فقهی معمولاً در آغاز هر باب یا کتاب تحت عنوان آداب خاص آن موضوع بحث می‌شود مانند آداب خرید و فروش، آداب ازدواج، آداب قرض دادن و مانند آن مباحث اخلاقی است تا فقهی و در حوزه‌ی اخلاق هنجاری قرار می‌گیرد. پس از این منظر آداب طبابت نیز که در لابلا‌ی متون فقهی در باب‌های اجاره و دیات آمده است، ناظر به اخلاق هنجاری است و در نتیجه اخلاق پزشکی مطرح در متون فقهی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است و در کنار دیگر اجزاء مانند اخلاق سیاسی، اخلاق قضایی و ...، اخلاق کاربردی را تشکیل می‌دهد (۴).

بدین ترتیب، علی‌رغم شباهت‌های اخلاق و فقه به یکدیگر، افتراقات بنیادینی نیز دارند؛ از جمله قلمرو این دو دانش با یکدیگر متفاوت است؛ روش تحقیق و منابع آن نیز با یکدیگر متفاوتند و بالاخره، فقه صرف‌نظر از اخلاقی بودن یا نبودن یک موضوع صرفاً به‌دنبال استنباط حکم آن موضوع از منابع معتبر است که در هر یک از مذاهب فقهی این منابع متفاوت است، در حالی که در اخلاق، شایسته یا ناشایسته بودن اخلاقی یک موضوع مدنظر قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا از زاویه‌ی اخلاقی، موضوع بررسی شود و به حکم شرعی موضوع توجه نمی‌شود. از این رو در کتاب اخلاقی «المحججه البیضاء» نوشته پر ارج «ملا محسن فیض کاشانی» قلمرو و موضوع دو دانش از یکدیگر کاملاً متمایز دانسته شده است و علم فقه را از علوم دنیوی و علم اخلاق را از علوم اخروی می‌داند و از علمای اخلاق به «اطباء القلوب» یاد می‌کند و در ادامه تأکید می‌کند که پرداختن فقیه به اخلاق و مسائل اخلاقی وظیفه‌ی او نیست و خارج از موضوع علم فقه

که درستی و نادرستی رفتار افراد براساس آن سنجیده می‌شود، در حالی که اخلاق در معنای ethics به دانش فلسفه‌ی اخلاق اطلاق می‌شود که از سه بخش «فرا اخلاق»^۱، «اخلاق هنجاری»^۲ و «اخلاق کاربردی»^۳ تشکیل می‌شود. فرا اخلاق که حتماً فرادینی است و اصولاً قابلیت آن را ندارد که دینی شود یا دینی باشد به تحقیق در باب «مبانی» اخلاق می‌پردازد. اخلاق هنجاری در مورد «خود» اخلاق/ اصل یا اصول کلی اخلاقی تحقیق می‌کند و اخلاق کاربردی به «تطبیق» اصل یا اصول اخلاق هنجاری بر موضوعات خاص می‌پردازد (۲، ۳).

۲- در فلسفه‌ی اسلامی با الهام از فلسفه‌ی یونانی، فلسفه یا به تعبیری حکمت، به دو شاخه‌ی نظری و عملی، و حکمت عملی به سه شاخه‌ی فرعی «اخلاق»، «سیاست مدن» و «تدبیر منزل» تقسیم می‌شود. در این تقسیم‌بندی، اخلاق یکی از شاخه‌های حکمت علمی و تقریباً ترکیبی از اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی است (۲، ۳). البته باید توجه داشت که بسیاری از مباحث اخلاقی افزون بر تک‌نگاری‌هایی که در حوزه‌ی اخلاق توسط اندیشمندان مسلمان مانند ابن مسکویه و دیگران نوشته شده، در لابه‌لای متون فقهی نیز بیان شده است و فقیهان در هر یک از باب‌های فقهی به برخی از آداب و هنجارهای اخلاقی نیز اشاره کرده‌اند؛ مانند آداب تجارت، اخلاق پزشکی، اخلاق همسرداری، آداب قرض دادن و ... و این شیوه تقریباً در همه‌ی کتاب‌های فقهی به چشم می‌خورد. با این تفاوت که آداب و هنجارهای اخلاقی بیان

^۱ Meta-ethics

^۲ Normative ethics

^۳ Applied ethics

از سوی دیگر، نویسندگان در ستون پیش از نتیجه گیری، اذعان می‌کنند که یک فعل ممکن است از نظر فقهی مباح باشد ولی از نظر اخلاقی ناپسند به‌شمار آید. با این همه، در پایان، بر مکمل بودن دو دانش فقه و اخلاق پزشکی تصریح می‌کنند که موجب طرح این پرسش‌ها می‌شود که اگر دو دانش فقه و اخلاق پزشکی به لحاظ موضوع، روش تحقیق و قلمرو متفاوتند چگونه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و در صورتی که احکام آنها در تعارض با هم باشد مکمل بودن چگونه ممکن است؟ افزون بر این، با توجه به تقدم احکام فقهی بر احکام اخلاقی، آیا طرح اخلاق پزشکی و تأکید بر آن در کشور ما، صرفاً به دلیل تقلید از اخلاق پزشکی غربی است و گرنه اخلاق پزشکی دانش مستقلی نیست و فقط بر فقه پزشکی باید تأکید کرد؟

است (۵).
 بالاخره برخی از محققان معاصر نیز قلمرو و موضوع فقه و اخلاق را از یکدیگر کاملاً جدا می‌دانند (۷، ۶). پس دو دانش فقه و اخلاق، نه مکمل هم هستند، نه جایگزین یکدیگرند و نه عین هم هستند. از این رو، یافتن رابطه‌ی میان دانش فقه و اخلاق و به تبع آن فقه پزشکی و اخلاق پزشکی همان‌گونه که به درستی گفته شده است: «در گرو دیدگاهی است که شخص در فرا اخلاق در باب سرشت و سرچشمه‌ی هنجارهای اخلاقی و ربط و نسبت دین و اخلاق مفروض می‌گیرد. این‌که آیا این دو علم کاملاً از یکدیگر مستقل و بی‌نیازند یا عین یکدیگرند یا یکی از آنها تابع دیگری است، از فروعات بحث از رابطه‌ی دین و اخلاق است» (۳). در حالی که بی‌توجهی به این مهم می‌تواند نتایج نامطلوبی به بار آورد و موجب تعارض دیدگاه‌های نویسنده شود؛ به‌عنوان نمونه، در مقاله‌ی «قلمرو فقه پزشکی و اخلاق پزشکی» عدم توجه به موارد پیش گفته موجب ایجاد تعارض‌هایی در مقاله شده است (۸)؛ زیرا از سویی به باور نویسندگان «اخلاق پزشکی و فقه دو حوزه‌ی مستقل از یکدیگرند» و حتی ممکن است احکام فقهی در تعارض با هنجارهای اخلاقی باشد و در صورت تعارض، حکم فقهی مقدم بر حکم اخلاقی خواهد بود و از سوی دیگر در پایان نتیجه می‌گیرد: «دو دانش ارزشمند و گرانمایه‌ی فقه پزشکی و اخلاق پزشکی مکمل یکدیگرند»، در حالی که این نتیجه‌گیری خود با مقاله و مباحث مطرح در آن تعارض دارد؛ زیرا از یک‌سو در چکیده‌ی مقاله، نویسندگان خود می‌پذیرند که احکام فقهی ممکن است با مقررات اخلاق پزشکی همسان باشد یا نباشد و به دیگر سخن، نویسندگان تعارض احکام فقهی و اخلاقی را پذیرفته‌اند و آن را باور دارند: «براساس نتایج به‌دست آمده ... ممکن است ضوابط و مقررات اخلاق پزشکی همسان یا متفاوت با احکام فقهی باشند».

5- Kashani M. [AL Mohajjat Albaizae]. Beirut: Moseseh Aalami; 1983.

6- Sobhani J. [Rabateh Akhlagh ba Figh]. <http://tohid.ir/fa/persian/articleView?articleId=4764> (accessed on: 2015). [in Persian]

7- Fazellankarani M. [Ezdevaj sarparat va farzandkhandeh Az didgah figh]. <http://www.fazellankarani.com/persian/news/7043> (accessed on: 2015). [in Persian]

8- Tabatabaei SM, Alam-al-Hoda SH. The realm of medical jurisprudence and medical ethics. Iran J Med Ethics Hist Med 2012; 5(5): 1-9. [in Persian]

منابع

1- Malekian M. [Rahi be Rahae]. Tehran: Negahe Moaaser; 1387. [in Persian]

2- Fanaei A. [Projeh Din va Akhlagh]. Sokhne Ma 1392; 1(1): 107-114, <http://fasleetedal.ir/1393/07/4781> (accessed in 2015). [in Persian]

3- Fanaei A. [Falsafeh Akhlaghe Islami va Rabateh Din va Akhlagh]. Kherade Mana 1392; 2: 9-16. <http://neelofar.org/phocadownload/fanaei/islamic-ethicsrelationship-between-religion-and-ethics.pdf> (accessed in 2015). [in Persian]

4- Malekian M. [Mehre Mandegar]. Tehran: Negahe Moaaser; 1391. [in Persian]